

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهر روز سورن
۱۴ جون ۲۰۲۲

آشی که برای مردم ایران می پزند!



رضا پهلوی در روز سیزده خرداد-جوزا- کنفرانس خبری برگزار کرد. شعار رضا شاه روحش شاد که تنها یکی از دهها شعار طرح شده در صحن خیابان و اعتراضات سراسری دهه اخیر بوده است، مهمترین عامل فعلیت رضا پهلوی بوده که گویا وی را رویا زده کرده است و تشویق که در نقش ناجی و حلال مشکلات اپوزیسیون ظاهر شود و به نوعی اعتراضات موجود را مهندسی کند. تردیدی نبود که دنیای سرمایه داری برای مقابله و معامله با وحوش اسلامی او را سالها در آب نمک خوابانده اند و امروزه با بسیج هماهنگ رسانه های فارسی زبان وابسته به خود او را موقتاً از این معجون بیرون آورده است و از هم اکنون وی را با انتشار بیانیه های متعدد ثبت تاریخی نماید. از جمله این نوشتارها، بیانیه تعدادی از زندانیان و فعالان سیاسی است که رضا پهلوی را به عنوان هماهنگ کننده ارشد؟ معرفی کرده است.

اوج گیری اعتراضات و مبارزات سراسری کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، کشاورزان و جوانان و ... محرک دنیای سرمایه داری برای این طرح و ابتکار بوده است. لازم به ذکر است که این تعدادی از زندانیان سیاسی و فعالین سیاسی در مجیزنامه خود او را محبوب، معتمد ملت ایران، هماهنگ کننده ارشد، انسجام دهنده تصمیمات پراکنده (نیروهای دیگر سیاسی)، خیراندیش، مهرورز، دارای جایگاه ویژه، رهنما، سخنگوی جنبش، هدایتگر می نامند که خود محتوای آشی را نشان می دهد که قرار است برای مردم کشورمان بپزند. در یک نگاه می توان گفت که داستان، داستان موج سواری است. ایشان اوج یابی اعتراضات و اعتصابات سراسری را دیده و تلاش می کنند با تکیه بر شم سیاسی (فرصت طلبی) خویش بر این امواج سوار شوند.

ناگفته پیداست که خانواده و وابستگان پهلوی از جمله رضا پهلوی در خارج از کشور زر و زور زیادی دارند و هنوز از سرنوشت جواهرات سلطنتی و سایر اموال حکومتی این خاندان در خارج کشور اطلاعاتی شفاف موجود نیست اما رضا پهلوی صرفنظر از گفته های دموکراسی خواهانه و آزادی طلبانه که امروزه مخالفتی بر نمی انگیزد اما هیچ گاه

نقد جدی بر رفتار رضاخان قلدر و پدرش که خدایگان روی زمین خود را می نامید و حزب فقط رستاخیز را می پسندید!، نداشته است. آیا اتفاقی است؟ او آب نمی بیند وگرنه شناگر خوبی است و در انتظار قدرت! تردیدی نیست که رضا پهلوی بدون حرفهای قشنگ و زیبا نمی تواند به جایگاه قدرت سر بخورد اما می تواند در تشتت و پراکندگی جبهه دموکراسی، آزادی و انقلاب فضای مناسب تری جهت نیل به اهداف خود و اجدادش بیابد.

معروف است که سیاستمداران کهنه کار به خطوط سیاه شده روی کاغذ کمتر بها می دهند تا بین سطور که دیده نمی شود. آنچه در این حضور یکباره خبری بسیار آشکار و مهم بود تدارک رسانه ئی آن از سوی بی بی سی فارسی، تلویزیون امریکا، رادیو فردا، شبکه من و تو و ایران اینترناشنال و ... بود که در باب وابستگی مالی و سیاسی آنها پیش از این بسیار گفته شده است. در وابستگی و سرسپردگی این رسانه های اجیر شده شکی نبود و در این ارتباط بارها نوشته شده است و بسیاری از فعالان سیاسی چپ انقلابی و نهادهای رادیکال دموکراتیک به درخواستهای مکرر آنها برای مصاحبه و تهیه برنامه پاسخ منفی دادند و آنهم نه یک سال و دوسال بلکه برای دهها سال و تعدادی هم به تصور خودشان بلندگوی آنها را مناسب برای تبلیغ و ترویج ایده های مارکسیستی و چپ دانستند و مکرر از آن و به تعبیر خود بهره بردند.

اما یک نکته برای آنان که پاسخ نه دادند و برای این رسانه های وابسته سیاسی و مالی با حضور خود خوراک تبلیغاتی مهیا نکردند و به آنها اعتبار نبخشیدند، دوربینی سیاسی آنها بود که امروز و با این صف آرائی که مشاهده می کنیم، صحت این عملکرد دیده می شود. پیش از این نیز بارها در اینمورد نوشته بودم که این گونه از رسانه ها اگر به خلوت بروند آن کار دیگر را خواهند کرد و سر بزنگاه زیر پای مردم کشورمان را خالی خواهند کرد. رسانه هایی که در طول سالها پز احترام به دموکراسی و آزادی بیان و اندیشه گرفته بودند و هم از اینرو به دنبال طعمه در نهادهای رادیکال و شخصیتهای سیاسی چپ و دموکرات می گشتند تا جنس خود را جور کنند، یکباره رضا پهلوی و گفته های تکراری اش را به عنوان بمب خبری در فضای سیاسی ایرانیان منفجر کردند.

دامنه رسانه ئی بسیار همه جانبه این کنفرانس مطبوعاتی آنقدر وسیع بود که نیروهای خواب آلوده متشکل و غیر متشکل اپوزیسیون را ناچار به موضع گیری کرد. این واقعه که در نوع خود کم سابقه است و نشان می دهد دستهای پشت پرده آن کم نیستند، از ارتقاء توانمندی رضا پهلوی نیست زیرا که اتفاق تازه ای در جبهه سلطنت طلبان و مشروطه خواهان نیفتاده است و لشکری به آن افزوده نشده است. اما این رویداد هر چند لحظه ای باز هم نشان داد که جبهه دموکراسی و انقلابی نه تنها اعتماد به نفس ندارد بلکه فاقد نوآوری و ابتکارات سیاسی و توانمندی سازماندهی است. هر تپله ای که از سوی نیروهای وابسته و سرمایه داری پرتاب می شود نیروهایی که ظرفیت انقلابی دارند و بالقوه در جبهه انقلاب هستند را به واکنش وامی دارد و به دنبال آن روانه می سازد.

این نیروها به دلیل پراکندگی و فرقه گرایی و به تبع آن ناتوانی هیچ گاه در طی دهه های پیش کنشگر نبوده اند. مبتکر نبوده اند. فقدان این خصیصه یکی از دلایلی است که فرمان ابتکار و کنش را به نیروهای وابسته از جمله رضا پهلوی هدیه کرده است. برای نسل اولی ها که دوران دیکتاتوری و سرسپردگی و سرکوب سیاه آن را همراه با ساواک جهنمی اش تجربه کرده اند، ماهیت و ذات تبلیغات سلطنتی روشن است و چند هفته پیش هم نوشتیم که روند تحولات سیاسی خبر از قدرت گیری نیروهایی را می دهد که می خواهند سر به تن چپ و پیشروان کارگری و مدافعان اصیل دموکراسی و آزادی نباشد.

در واقع امر چپ انقلابی و دموکرات و مدافعان راستین دموکراسی و آزادی باید خود را مهیای شرایطی جدید کنند تا از عیار دفاعی کاراتری نسبت به دوران روی کار آمدن جمهوری اسلامی برخوردار باشند. این مهم با داده های کنونی

تنها و تنها از دالان همبستگی آگاهانه و هشيارانه اين طيف مي گذرد. تشكيل جبهه انقلابي همراه با مرزهاي شفاف با آرزوهاي شيخ و شاه از ضروريات سياسي كنوني است. اين جبهه يا با اقدامات آگاهانه و پيشگيرانه نيروهاي سياسي اين طيف ايجاد مي شود و يا خودبه خودي تحولات سياسي آن را به همه ما تحميل خواهد كرد كه بسيار دير خواهد بود. اين كه در اين جبهه بلوك هاي سياسي متنوعي حضور داشته باشند مي تواند شيرازه شكل گيري اين جبهه را تقويت كند.

12.6.2022